وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال اول | شماره سی وهفتم | چهارشنبه ۸ اسد ۱۳۸۲ | اول جمادی الاخر ۱٤۲٤ - 30 July 2003

سرمقاله
انتخابات آینده درفرمان رئیس دولت
ص۲

قرائت جنبش های اسلامی از دموکراسی
ص٦

سفری به هرات

گزارشگران: کوه نوری ومصطفی شهری

شهر حماسه وبازسازی

من بار نخست پاییز سال۱۳٦۲بود که به شهر هرات سفر کردم. و آن زمان سالهای تجاوز واشغال ارتش اتحاد جماهیر شوروی و حاکمیت رژیم کمونیستی بود ولاجرم شهر هرات برای دولت آن وقت محدودۀ کوچکی بود که فقط طی یکی دو ساعت بیننده می توانست آن را بپیماید و از"مرزهای !" تعیین شدۀ دولت در شهر هرات تجاوز نکند، زیرا در بسیاری از محلات شهر، میان نیروهای دولتی ومجاهدان فقط یک کوچه فاصله بود.

دراین محدودۀ کوچک شهر، وقتی به کناره های مرزمیان ساحت فرمانروایی مجاهدان ونیروهای دولتی" می رسیدی مجبور بودی به هر اشاره یی از آن سوی مرز توجه کنی زیرا اگر پاسداران مجاهدان احساس می کردند که عنصری نامطلوب وناشناخته به آنان نزدیک شده است بایک اشاره به او می فهماندند که مهربانی کند و او دیگر مجبور بود که مانند ذره آهنی به سوی یک مقناطیس بزرگ جذب شود.
ص۳



علی کوهستانی

دست آورد وزیر داخله از سفر پاکستان

طی هفتۀ گذشته آقای جلالی وزیر داخلهء دولت انتقالی اسلامی افغانستان سفری رسمی به پاکستان داشت که به باور عده یی از صاحبنظران امور سیاسی چندان دست آورد محسوسی نداشته است در این رابطه به رخدادهایی توجه داریم که بعد از سفر ایشان به پاکستان به وقوع پیوسته است:

قرار اطلاع رسانه های خبری، در سلسلهء عبور غیر قانونی افراد مسلح که از آن سوی مرز و از داخل خاک پاکستان تمویل وتجهیز می شوند کدام تغییر محسوسی به وجود نیامده و این سریال همچنان ادامه دارد.

در قندهار، و ارزگان و زابل حوادث متعددی به وقوع پیوست که همه اقدامات خصمانه بر ضد دولت و حاکمیت مردم افغانستان به حساب می آید.

تشدید منازعهء مرزی در منطقهء یعقوبی ولایت ننگرهار نیز به تعقیب سفر آقای جلالی به پاکستان صورت گرفته است و علاوه بر آن اظهارات سخن گوی وزارت خارجهء پاکستان، مسعود خان نیز دال بر آن است که به سخنان وزیر داخلۀ ما گوش فرا نداده اند.

مسعود خان اظهاراتی دارد که بیانگر موضع گیری رسمی حکومت پاکستان به حساب می آید و حاکی از بی اعتنایی واضح در برابر وزیر داخلهء افغانستان است. فشردهء این مطلب را به نقل از گزارش بی بی سی در برنامه صحبگاهی ۵ اسد ملاحظه می کنیم:

"در یک اعلامیهء وزارت خارجهء پاکستان گفته شد که خط مرزی دیورند قابل بحث نیست."

"سخن گوی وزارت خارجه پاکستان مسعود خان گفت: ص۷

نقش زبان در قانون گذاری

ص۲

ابوبکر سبزوار

نگاهی به مشکلات نظامی امریکا در عراق

گزارش های منابع خبری بین المللی و تایید مقامات امریکایی نشان از بلند رفتن تعداد تلفات نیرو های امریکایی در جنگ با افراد مسلح در عراق دارد. هرچند فرماندهی نظامی نیرو های امریکا در عراق در پخش چنین گزارش ها از احتیاط فراوان کار می گیرد و از اجساد کشته شدگان فیلم و عکس به نشر نمی رسد.

ولی در چند روز اخیر بعضی از مقامات امریکایی به این مسأله اعتراف کرده اند که عراق به تدریج مبدل به مرکزی برای جذب جنگجویان داوطلب از سایر کشور های اسلامی می گردد که غرض جنگ با سربازان امریکایی به عراق می آیند. این جنگجویان از عملیات انتحاری علیه نظامیان خارجی در عراق باکی نخواهند داشت. ص۲

پیشینۀ پربار فرهنگی سرزمین افغانستان

ص۵

په زابل کې طالبان په آزاده توګه فعالیت کوي

دخبري سرچینو په وینا: دزابل ولایت یو رسمي مقام دامریکې په لاربښونه دنړیوال ایتلاف له ځواکونو څخه غوښتنه کړې ده چې په دغه ولایت کې دطالبانو او القاعده جنګیالیو پر ضد عملیاتو کې برخه واخلي.

دغه مقام اندیښنه ښودلې او ویلي دي چې ددغه ولایت زیاتروسیمو او ولسوالیو کې د طالبانو په سلګونو جنګیالي په آزاده توګه فعالیت کوي او ددولتي کارکونکو او دمرکزي حکومت دپلویانو ژوند ته یې ګواښ پیښ کړي دي او په سیمه کې یې په ډار اچوني لاسو پوري کړي دي ده ویلي دي چې ددغه ولایت سرتیري او امنیتي ځواکونه زیاتو مرستو او پاملرني ته اړتیالري.

دیادوني وړ ده چې په هیوادکې دزابل ولایت یوازیني سیمه ده چې طالبانو په کې په والي سربیره نور کارکونکي دخپلو کسانو له مینځه تاکلي دي.

ش. الماس

په تاجکستان کې شپږسوه جوماتونه وتړل شول

دا څرګند حقیقت دي چي جومات دمسلمانانو لومړنۍ مدرسه، دلوي خداي (ج) دعبادت مقدس کور، داسلام دسپیڅلي دین دمبادي او اساساتو د زده کړي مرکزاو دتهذیب، علم او اخلاقو ستر کانون دي دجومات له ممبراو محراب څخه خلکو ته دنهي عني المنکر او امر بالمعروف سپارښتنه کیږي او له همدغه ځایه زموږ دیني او دنیاوي چاري دنظم او سمون په محور او مرکز راڅرخي. خلکوته په کې خبر او آګاهي ورکوله کیږي او که له یوي خوا په کې پنځه وخته څښتن تعالي ته دبندګي سر ټیټیږي نو له بلي خوا دهیوادونو د خپلواکي او ازادي له پاره ورکي ستري غونډي کیږي.

له بده مرغه چي په خینو خایونو کې دسیاسي نظامونو دسیکولر ماهیت له مخې بیا له جوماتونو څخه دغه راز ارزښت اخیستل شوي او ددغه راز حکومتونو چارواکي بیا جوماتونه او دهغه ټول مذهبي او دنیوي ارزښتونه دخپلو غیر مذهبي حکومتونو خلاف بولي او دمسلمانانو دستر اکثریت پر عقیدو، مفکورو، نظریاتو، فرهنګي دودونو او روایاتو باندي بندیزونه لګوي چي داکار که له یوي خوا غیر اسلامي او ناجایز دي له بلي خوا د دیموکراسي دمنلو اساساتو او دبشري حقوقو په وړاندي یو غیر منطقي او دغندني وړ ګوزار دي.
۸مخ

په کنړ کې دملګرو ملتو بشري فعالیتونه ودرول شول

په دي ورستیو کې دکنړ ولایت په ختیځو ولسوالیو کې ګن شمیر داسي پیښي رامینځ ته شوي چي دملګرو ملتو پروګرامونه یي له خنډ او بندیدوسره مخامخ کړي دي.

په جلال آباد کې دملګرو ملتو دیو نیما ددفتر دمشري دیسلوا په وینا دامنیتي ستونزو له کبله دوي خپل فعالیتونه دسرکانوه مروري، بانګو او نري په سیمو کې درولي دي خوددغه ولایت په جنوبي سیمو او اسعد آباد کې ددوي فعالیتونه دوام لري دیادوني وړ ده چي کنړ یوه غرني سیمه او له پاکستان سره ګډه پوله لري او په دغه ولایت کې ځوځله دامریکایي ځواکونو پراډو راکټي بریدونه او په لویو لارو کې دماینونو دچاودني رپوټونه خپاره شوي دي.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

انتخابات آینده در فرمان رئیس دولت

آقای حامد کرزی رئیس دولت روز شنبه گذشته چهار اسد طی صدور دو فرمان دوگونه ساختاری را برای پی گیری مسایل انتخابات سال آینده به وجود اورد، یکی به نام دفتر مشترک انتخابات سال ۱۳۸۳ و دیگری به عنوان کمیسیون مستقل مؤقت تنظیم انتخابات.

دفتر مشترک تنظیم انتخابات، از سوی دولت و دفتر سیاسی سازمان ملل در افغانستان (یونیما) تشکیل خواهد شد. این دفتر طبق این فرمان رئیس دولت ده نفر عضو دارد که پنج تن آنان را رئیس دولت و پنج تن دیگر آنان را اخضر ابراهیمی نمایندهء ویژهء دبیرکل سازمان ملل متحد در افغانستان از اعضای دفتر سیاسی سازمان ملل در افغانستان یونیما بر می گزیند.

هم چنان حامد کرزی در کنار این دفتر مشترک کمیسیون مستقل مؤقت تنظیم انتخابات راکه شش نفر عضو دارد ایجاد کرده است، پنج تن از اعضای همین کمیسیون بر پایهء مفاد این فرمان ها اعضای دفتر مشترک انتخابات نیز هستند.

دفتر مشترک برکار نام نویسی رای دهندگان نظارت خواهد کرد و آماده سازی لوایح ومقرره ها و اسنادانتخابات را به عهده خواهد گرفت و شبیه این کار را کمیسیون مستقل انتخابات که از آن در پیش نام بردیم نیز انجام می دهد.

جالب این است که دفتر مشترک انتخابات وکمیسیون مستقل انتخابات کارهایشان را در وقتی آغاز می کنند که تا هنوز لویه جرگهء تصویب قانون اساسی دایر نگردیده و قانون اساسی را که در برگیرندهء نوعیت نظام سیاسی آینده وبالتبع نحوهء برگزاری انتخابات نیز خواهد بود به تصویب نرسانیده است.

گفتنی دیگر در این باب این است که این ساختار های کار گذار برای انتخابات توسط رئیس دولت ایجاد می شود و این کار وجههء دموکراتیک بودن انتخابات آینده را از همین اکنون خدشه دار می کند.

برپایهء موافقت نامهء بن وفیصله های لویه جرگهء اضطراری فرض بر این است که انتخابات سال آینده پایان دوران بحران سیاسی در افغانستان باید باشد.

همه بحران های سیاسی تاریخ معاصر افغانستان ریشه در خودکامگی نظامهای حاکم آن داشته است که به دور از خواست مردم بر آنان فرمان رانده اند. یخهای این بحران تنها در برابر آفتاب حضور راستین مردم در انتخابات و مشارکت واقعی آنان در عرصهء سیاست وحکومت است که آب خواهد شد و جامعه را در پهلوهای گونه گون زندگی به سوی ثبات و امنیت و شگوفایی سوق خواهد داد.

اما چنان که پیداست این مهم آن گونه که می طلبد مورد عنایت نیست. کار انتخابات به سان کار قانون اساسی و کمیسیون های آن راه اندازی می شود. همان شیوه یی که فاقد ارزشهای دموکراتیک است. دولتی که رسالت بنیادینش تحکیم پایه های دموکراسی و مشارکت ملی در عرصهء سیاست وحکومتداری است متأسفانه به گونهء حکومت های توتالیتر و پادشاهی مطلقه کشور را به وسیله صدور فرامین ریاستی حتی در زمینه های تقنینی اداره می کند. این کاری است که شدیداً صداقت دولت را در پیمودن راه دموکراسی مورد پرسش قرار داده است.

ما بارها به تکرار گفته ایم که فقدان یک ساختار شورایی منبعث از ارادهء ملت درکنار دولت عامل بازدارندهء رشد روند دموکراسی وناگزیر روی آوردن به شیوه های استبدادی شده است.

این روند وقتی صدمه دید که لویه جرگهء اضطراری از ایجاد یک شورای ملی یا پارلمان مؤقت درکنار دولت جلوگیری به عمل آمد.

اکنون چه کسی می تواند اطمینان داشته باشد اداره یی که برای انتخابات کمیسیون تشکیل می دهد و برای آن قانون و مقرارت وضع می کند مصالح ومنافع خود وکسان خود را در آن ملحوظ ندارد؟

این پرسشی است که بی طرفانه و عادلانه برگزار شدن انتخابات آینده واستقلال این ساختار ها را درهاله یی از شکوک وگمانها قرار می دهد.

ما به این باور هستیم که برای کاهش این شک و گمانها در بارهء انتخابات باید کار آن به یک کمیتهء برخاسته از لویه جرگه تصویب قانون -اساسی که قرار است برگزار شود- واگذار گردد، کمیته یی که از میان اعضای آن لویه جرگه انتخاب شود.

درغیر آن هیچ گونه انتخاباتی که بتواند قناعت ورضایت مردم را فراهم آورد نمی تواند به وجود آید و بحران مزمن افغانستان را پایان بخشد و راه تبادل مسالمت آمیز قدرت را در افغانستان هموار کند.

جمعیت اسلامی افغانستان به این باور است که مردم در برابر بازی به سرنوشت شان وبازی با انتخابات سکوت نخواهند کرد.

نقش زبان در قانون گذاری

محمد احسان نکته دان

قانون گذاری یک امری مهم است که اندک ترین اشتباه ولغزش در آن باعث هرج ومرج های اجتماعی شده، خطرات زیادی را به بارمی آورد. پس قانون گذار باید کوشش به خرچ دهد تا از همچو اشتباهات در امان بوده باشد وبه خاطر داشته باشد قانونی را که وضع می کند بعد از تصویب آن از طرف مقام های ذیصلاح تحت مطالعه وتشریح دقیق قانون دانان، محاکم، اداره های بین المللی، کمیته های پارلمانی وانجمن های دیگر حقوقی قرار می گیرد. وقانون گذار باید بداند که قانون گذاری بیش تریک فن است تاعلم، واین فن را می توان در طی تجارب سالیان دراز کسب نمود وآن فن شامل استعمال زبان مناسب بوده و ذریعهء آن ارتباط بین قانون ومردم مستحکم می گردد گرچه قانون گذار ضرورت مبرم دارد تا هنگام طرح قانون همه شایستگی های لسان را مد نظر گرفته، دساتیر نحوی وبلاغی همان زبان را رعایت نماید، ولی دانشمندان به بعضی از این نکات تأیید بیشتر ورزیده اند نگارنده بعضی این نکات را به شکل فشرده درج می نماید.

سادگی زبان

برای این که قانون برای همه مفهوم باشد، باید با زبانی ساده طرح شود. زبانی که دارای ویژگی های ذیل بوده باشد.

اعتدال در استعمال کلمات

استعمال مقتصدانهء کلمات از صفت های برازنده وخوب یک نوشته است وآن فضیلتی است که به آسانی نصیب قانون گذار نمی شود. مشق وتمرین های متوالی، به ویژه در ارتباط به ابلاغ معاهدات واسناد دیگر قانونی در به دست آوردن این مأمول مساعدت خواهد نمود. مشروط براین که این مشق وتمرین از دلچسپی های قابل فهم منتج شده باشد واین امر مقتضی آن است کلماتی که بدون کدام هدف، یابدون ضرورت استعمال می شود شاخه زنی شود، زیرا استعمال همچو کلمات نه تنها باعث ضیاع وقت خواننده است، بلکه ایجاد خطر نیز می نماید. پس هرکلمه یی که در قانون گذاری استعمال می شود باید مفهومی را افاده کند. به طور مثال اگر کلمه یی بتواند معنای مطلوب را افاده کند از آوردن چندین کلمه روی این هدف خود داری شود.

آشنایی با زبان

یکی از ویژگی های دیگر سادگی وآشنایی زبان است. در قانون گذاری باید کلمات آشنا استعمال شود ویا به عبارت دیگر کلمات آشنا نسبت به کلمات نا آشنا ترجیح داده شود. پس باید قانون گذار از استعمال کلمات معیاری انحراف نورزد، مگر در صورت لزوم.

در گذشته دانشمندان به این باوربودند که کلمات کوتاه ومختصر بهتر از کلمات دراز است وهمچنان کلماتی که ریشهء اجنبی دارد نباید استعمال شود، ولی این نظر به قوت خود باقی نیست، زیرا احیاناً کلمات آشنا چه کوتاه باشد چه دراز وریشهء اصلی اش ص۷

نگاهی به مشکلات نظامی امریکا...

عملیات پاتیزانی موجب عکس العمل هایی شدید از طرف نیروهای امریکایی می گردد و این کار غیر منتظره نیز نیست. خشونتی که با خشونت متقابل با آن مقابله شود، ادامه می یابد و گسترش می پذیرد.

چرا چنین شد؟

امریکایی ها به این منظور به عراق حمله ور شدند تا نظام مستبد و خود کامه یی را ساقط نموده و دموکراسی را در این کشور حاکم سازند ولی اکنون به مقاومتی بر خورده اند که در برابر صدام حسین وجود نداشت. آیا امریکایی ها در شناخت روحیهء مردم عراق اشتباه کرده اند؟

این تجربه در کشور های مختلف بارها تکرار شده است که وجود یک رژیم مستبد و خود کامه گاهی قابل تحمل تر از سلطهء اجنبی است. شاید بتوان گفت که بزرگترین اشتباه امریکا و متحدانش در جریان حمله بر عراق این بود که به سیاست متفاوت با آنچه در افغانستان داشتند دست زدند و نیروهای داخلی مخالف با صدام حسین را از نظر انداختند و به آنان مجال عمل ندادند.

امریکایی ها به این باور بودند که ملتی که در تحت سلطهء صدام حسین آن همه زجر دیده است، از هر قدرتی که صدام را سرنگون کند استقبال خواهد کرد در حالی که مردم عراق از سرنگونی صدام شادمان شدند ولی خواستار یک حکومت منتخب در کشور خود بودند که به آنان خدمت کند.

> امریکایی ها به این باور بودند که ملتی که در تحت سلطهء صدام حسین آن همه زجر دیده است، از هر قدرتی که صدام را سرنگون کند استقبال خواهد کرد در حالی که مردم عراق از سرنگونی صدام شادمان شدند ولی خواستار یک حکومت منتخب در کشور خود بودند که به آنان خدمت کند.

بزرگترین عامل نارضایتی در میان مردم عراق از آنجا ناشی می شود که نیرو های داخلی مخالف صدام از صحنه دور ماندند و ملت احساس کرد که تحت اشغال قرار گرفته است .

اشتباه دیگر امریکا این بود که در جریان حمله زیر بنا های اقتصادی و تأسیسات بسیار حیاتی عراق را ویران کرد و ملت با سقوط صدام حسین با مشکلات عظیم به وجود نمی آمد.

کمبود آب وبرق شبکهء مخابرات و بیمارستان و سایر خدمات عمومی مواجه گردید. از همان اول کار گفته می شد که باز سازی این تأسیسات را کمپنی های امریکایی بعهده خواهند داشت. مردم عراق احساس کردند که این تخریب ها بخاطر آن بود تا برای کمپنی های امریکایی کار وعاید خلق شود و امریکا به منافع خویش بیشتر از دموکراسی و یا مشکلات مردم عراق توجه دارد. با توجه به روحیه مخالفتی که در عراق در نتیجه تعزیرات سازمان ملل متحد وجود داشت، باید امریکا و جامعهء جهانی به سرعت در جهت رفع این مشکلات وارد عمل می شدند و فرصت مقایسه بین حالت موجود و زمان صدام حسین به نفع دوران گذشته به وجود نمی آمد.

غارت و چپاولی که پس از سقوط رژیم صدام حسین صورت گرفت و نیروهای امریکایی از آن ممانعت نکردند، عامل دیگری در تشدید مشکلات مردم عراق بود که تا اکنون نیز این ناامنی به شکلی گسترده وجود دارد. بنا براین در روستا ها گروههای مسلح مخالف حضور خارجی، اگر بتوانند در برابر رهزنان برای روستاییان امنیت به وجود آورند، از حمایت گستردهء مردم برخوردار خواهند گردید و به این ترتیب جنگ پاتیزانی وسعت خواهد گرفت.

آخرین مشکلی که باید به آن اشاره کرد وحشت و نگرانی است که حضور امریکا در منطقه ایجاد کرده و بخصوص این نگرانی در میان بعضی از همسایگان عراق به صورت بارز دیده می شود. برخی ها به این باورند که امریکا قصد تغییر نقشهء سیاسی منطقه را دارد. از این رو بعضی از کشور های منطقه از این که امریکا را در دامی نظیر جنگ ویتنام ببینند چندان بی میل نیستند و این مشکل دیگر امریکا در عراق است. ص۸

سفری به هرات

شهر حماسه و . . .

آن روزها هوس دیدن منارهای مصلای هرات را داشتم ولی برای مان این نعمت میسر نبود زیرا دقیقاً این مناره های زیبا وتاریخی به گونهٔ نقطه یی فاصل میان نیروهای متخاصم قرار داشت که روزانه صد ها گلولهٔ خورد وبزرگ از سوی آنان قامت های استوار آنها را آماج می گرفت وپاره یی از نقوش زیبا وقدیمی آنها را از تن شان جدا می کرد وبه خاکدان ذلت وخواری می افگند.

دقیقاً به یادم هست که شهر آنگاه سیمای غمگین وگرد آلودی داشت وشهروندان آن بااکراه وناگزیری در دوسوی خط تقسیم شده بودند.

اما بار دوم حوالی ساعت دونیم بعد از ظهر روز(۲۱) سرطان بود که طیارهٔ حامل مان به زمین میدان هوایی شهر هرات فرود آمد.

خوشحال بودم در فرصتی نیک به بهانهٔ شرکت در سیمینار جامعهٔ مدنی راه اندازی شده در هرات، مجال آن را می یابم تا این شهر محنت کشیده وفاجعه دیده را دوباره از نزدیک ببینم و دیدنی که با وسوسه واضطراب همراه نخواهد بود ودیگر از کسی بیمی در دل ندارم.

هوس زده دیدار باهرات را از همان ترمینال میدان هوایی شهر آغاز کردم که با(۲۰) سال پیش تفاوت بسیاری داشت. پاکی و زیبایی و صفا ویکرنگی مردم مهمان نواز هرات آن چیزهایی بود که در نخستین مشاهده با آن مواجه شدم.

شماری بزرگ ازمسؤولان بلندپایهٔ اداری ولایت هرات به پذیرایی میهمانان از کابل خوانده شده به میدان هوایی آمده بودند با مشایعت گران روانه مهمان سرای هرات که روزگاری منزل رهایشی خانواده های والیان آن شهر بود شدیم. مقامات مسؤول هرات واز جمله معاون والی هرات ورؤسای اطلاعات وفرهنگ، معارف وسایر نهادهای هرات ما را در آن جا خیر مقدم گفتند وبا ما غذای ظهر را صرف کردند.

حوالی ساعت ۷ونیم شام باهمراهان و دوستان روانهٔ مهمان سرای تخت ظفر شدیم واز فراز آن بارگاه آباد ومجلل، مهتاب زیبا وشام زیبای هرات را تماشا کردیم. در آنجا بود که متوجه شدم لطیف ناظمی شاعر بلند آوازهٔ افغانستان شام هرات وصبح نیشاپور را چرا در شعرش وصف کرده است.

پرتو نادری به اصرار آرزو داشت تاهمه چراغ های میهمانخانه را خاموش کنند که بشود منظره دل انگیز هرات وشام زیبایش را به خوبی ببینیم.

شب مهتابی بود وطلوع ماه درشب چهارده از افق خاوری شهر در فضای صاف وبی غبار و ابر چنان دل انگیز بر شهر پرتو می افگند که نه تنها برای پرتو شاعر که برای همگان بسیار شاعرانه بود و چند بار درآن حال از پرتو نادری شنیدم که می گفت چه شبی زیباست و چه مهتابی زیباست . آیا او برای آن شب مهتابی زیبا به سان شاعران اسلافش شعری سروده است؟!

طعام شب را در همان جا در حضور جمعی از بزرگان هرات ومعاون مقام ولایت صرف کردیم. زیبایی وشکوه این مهمان سرا خود قابل وصف است که دراین جا مجال آن نیست.

صبح روز(۲۲) سرطان کنفرانس "جامعهٔ مدنی مردم سالاری دین وقانون اساسی آینده افغانستان" در سالن هتل "پارک" آغاز به کار کرد. مدعوین ومهمانان در جاهای مشخصی قرار گرفتند. سمینار یک روز تمام را در بر گرفت وطی آن حد اقل ده مقاله به اشتراک کنندگان ارائه گردید.

امیر اسماعیل خان والی هرات نیز پس از مشایعت تودیعی وزیر صحت عامه افغانستان به سالون کنفرانس آمد.

استاد عنایت الله شاداب استاد فاکولته شرعیات و منشی جمعیت اسلامی افغانستان و عبدالحفیظ منصور مدیر مسؤول هفته نامهٔ پیام مجاهد ژورنالیست و نویسندهٔ مشهور به عنوان صاحبنظران وپرتو نادری شاعر بلند آوازهٔ افغانستان و واقف حکیمی ژورنالیست و نویسنده ورئیس نشرات وزارت معارف و پوهاند استاد محمد کاظم آهنگ رئیس فاکولتهٔ ژورنالیسم پوهنتون کابل، پوهنمل عزیز احمد فانوس و محمد عظیم نور بخش از استادان فاکولته ژورنالیسم وخانم نوریهٔ آشوری از مجله روز و خانم رخشانه از هفته نامهٔ سیرت عبدالرؤف لوال ژورنالست در جمع دوستانی بودند که به گونهٔ گروهی از سوی اتحادیهٔ آزاد ژورنالستان افغانستان ازکابل بایک عده یی دیگر در کنفرانس شرکت نموده بودند.

سمینار به چند بخش تقسیم شده بود. هر بخش شماری از مقالات را در بر می گرفت که پس از خوانش هر مقاله بحث و مناقشه در پیرامون مسائل آن برپا می شد.

> استاد شاداب:
>
> **ما هرچه به عنوان قانون می سازیم باید خواست و منافع مردم افغانستان در آن مدنظر گرفته شود.**

بخش نخست سمینار را دکتر عبدالحی الهی و دوم را عبدالحفیظ منصور و سوم را پرتو نادری ریاست کردند.

نخستین مقاله "نگاه انتقادی به قانون اساسی۱۳۴۳افغانستان" بود که در سمینار قرائت شد. در پایان مقاله بحث وسوالات حاضرین آغاز یافت که عمدتاً حول قانون اساسی آیندهٔ افغانستان بود. آقای عبدالحفیظ منصور نگاهی انتقادی به جریان کار تدوین قانون اساسی در افغانستان داشت به عقیدهٔ او چه تضمینی وجود دارد که نظریات مردم در تدوین قانون اساسی آیندهٔ افغانستان مد نظر گرفته می شود؟ وی گفت که باید راه هایی را جستجو کنیم که این نظریات منتقل شود ودر تدقیق قانون اساسی اعتبار داده شود. نحوهٔ تدویر لویه جرگه و انتخاب اعضای شرکت کننده در آن نقطه نظر دیگری بود که آقای منصور به آن اشاره کرد واظهار نگرانی نمود که نشود تعدادی به گونهٔ مرموزی فراهم آورده شوند وقانون اساسی آیندهٔ افغانستان را به گونهٔ نمایشی تصویب کنند.

که این اظهارات توسط دکتر عبدالحی الهی مسوول دفتر ساحوی قانون اساسی در هرات که در این کنفرانس شرکت کرده بود پاسخ داده شد.

آقای دکتر عبدالحی الهی گفت که دوستان حق دارند نظرات خود را بگویند، ولی الحمدلله ما مستقل هستیم و آزادیم و این استقلال وآزادی از کنفرانس بن منشأ گرفته است ما دولتی هستیم که از لحاظ معیارهای حقوق بین الدول از سوی جامعهٔ بین المللی به رسمیت شناخته شده است.

واقف حکیمی یکی دیگر از کسانی بود که تبصره یی بر مقالهٔ "نگاهی انتقادی بر قانون اساسی سال ۱۳۴۳" داشت . او گفت:

بحثی بسیار گسترده در بارهٔ مباحث شاه و حدود صلاحیت های او در قانون اساسی ۴۳ در این سمینار بسیار بایسته به نظر نمی آید. چون ما دیگر شاه ونظام شاهی نداریم و نخواهیم داشت و فصل بسته به شاه هم در مرحلهٔ کنونی در قانون اساسی معمول به (قانون سال ۴۳) محذوف است. و اگر بحثی هم در این مورد صورت می پذیرد باید در فضای آکادمیک باشد و در چنین سمینار هایی که کارش رهگشایی است از پرداختن به آن پرهیز صورت گیرد. هان! وقتی این مسائل جدیت پیدا می کند که رئیس دولت یا رئیس جمهوری در نظام آینده جای نشین شاه در نظام پیشین شود و صلاحیت های او به وی تحویل داده شود که باید از همین اکنون به چنین مواردی حساس توجه مبذول داشته شود و از احتمالات به میان آمدن خود کامگی به هر عنوان که باشد باید جلوگیری شود.

نظام سیاسی آینده باید پارلمانی باشد و همهٔ صلاحیت ها در اختیار رئیس دولت یا رئیس جمهوری قرار نگیرد. احزاب سیاسی به پارلمان راه بیا بند وحزب دارای اکثریت حکومت را بسازد. این شیوه مناسب ترین گونهٔ دموکراسی برای جامعهٔ ماست و بدین وسیله می شود از تمرکز قدرت دردست یک کس جلوگیری کرد.

بعداً استاد شاداب اظهار داشت که در مقاله ارائه شده بحث جانبی شده است.

وی انتقاد داشت که تطبیق قانون بیشتر به مردمی بودن کارگزاران قانون ارتباط دارد وکسانی که بدون درک خواست مردم با آوردن مدل هایی که خواست مردم نیست وقدرت های خارجی این مدل ها را پشتیبانی می کنند، اشتباه می کنند.

استاد شاداب گفت که ماباید هرچه به عنوان قانون می سازیم باید خواست و منافع مردم افغانستان در آن مدنظر گرفته شود.

بعداً مقالاتی زیر عنوان "شایسته سالاری در اسلام" و "جدایی دین وسیاست" و "تعدد احزاب، کثرت گرایی و جایگاه آن در جامعهٔ اسلامی" و "دین سالاری ومردم سالاری" و "جایگاه زن در نظام سیاسی اجتماعی اسلامی" و "تفاوتهای قوانین وضعی وقوانین الهی" ... در سه بخش کنفرانس ارایه شد.

در هرسه بخش کارسمینار جروبحث های طولانی صورت گرفت که اکثر نظریات اشتراک کنندگان حول ساختار قانون اساسی آیندهٔ افغانستان می چرخید.

پس از خوانش مقالهٔ "دموکراسی و مردم سالاری دینی" بحث هایی بسیار گسترده در توافق وتباین میان دموکراسی واسلام برپا شد وهر یک از استاد شاداب و منصور و واقف حکیمی در این موضوع به تفصیل سخنانی گفتند. از جمله استاد شاداب گفت: در پیوند دین و دموکراسی در میان اندیشمندان اسلامی از زمانه های دور تا کنون سخن گفته شده است. یعنی از نقش تعیین کننده، مردم در امر حکومتداری، فقهای سیاسی اسلام از عضد الدین ایجی گرفته تا دکتر قرضاوی دراین باره سخن گفته اند. چنان که ضیاء الدین الریس یکی از نظریه پردازان عرصهٔ سیاست اسلامی می گوید: حکومت قرار دادی است میان مردم و رئیس دولت، و دولت در فقه سیاسی اسلام مرکب از سه عنصر اساسی است که عبارت از مردم وسرزمین و قدرت است. و مردم ستون فقرات نظام اسلامی را تشکیل می دهند. فقهای معاصر اسلامی دموکراسی را به عنوان یک روش ضد استبدادی و در جهت منافع مردم از صمیم نظام سیاسی اسلام می دانند ولی دموکراسی را به مثابهٔ یک فلسفهٔ سیاسی نمی پذیرند.

اما مقالت "قوانین وضعی و قوانین الهی" یکی از مقالاتی بود که بحثی بسیار داغ کلامی را بر انگیخت. طرح این مبحث ناگزیر پای توافق و تنازع عقل و شرع یا نقل وعقل را به میان می کشاند. مساله یی که از قدیم در عرصهٔ کلام ومعارف اسلامی در میان اندیشمندان مسلمان مطرح بوده است وبرای همیشه هم هرگاهی که مسألهٔ فرمانروایی شرع و تطبیق احکام آن بر جامعه مطرح گردد این مسأله نیز مطرح خواهد شد

در پایان کنفرانس امیر محمد اسماعیل خان والی ولایت هرات سخنرانی کرد.

او از حاضرین تشکر کرد که باحوصله مندی کنفرانس را دنبا ل کردند.

امیر اسماعیل خان، یاد آوری کرد که ما در لحظات حساس تاریخ قرار داریم که اکنون رفتن به سوی قانون وانتخابات را تجربه می کنیم وضرور است که اکنون ملت به آرمان بزرگ شان که داشتن قانون جامع و اسلامی است برسد، وفکر وقلم مردم ما در ساختار سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه اثر بگذارد.

وی گفت که مردم ما ثابت ساختند که در میدان مبارزه برای استقلال و آزادی رزمیدند و اکنون روشنفکران و دانشمندان باقلم وفرهنگ در امر آزادی واستقلال و ابادی وطن شان، مسؤولیت های خود را انجام بدهند.

اسماعیل خان افزود امیدوار است که مردم ما این بار اغفال نشوند وبتوانند بعد از دادن این همه قربانی به آرزوی بزرگ شان که داشتن یک قانون جامع است برسند.

والی هرات اشاره به محرومیت تعدادی زیادی از مردم افغانستان به خصوص آنانی که در جای هایی مانند غور وبادغیس زندگی می کنند نمود وگفت حق است که در برابر این فداکاری های مردم قانون اساسی شان بالاین بی پروایی ها ساخته شود؟

اسماعیل خان یاد آور شد، ضمن این که طرفدار حکومت فدرالی در افغانستان نیست، خواهان دادن صلاحیت های بیشتری به والیان است تا آن ها در پرتو آن بتوانند خدمت بیشتری انجام دهند.

وی همچنین پیشنهاد کرد که لویه جرگهٔ

> اسماعیل خان:
>
> **مردم ما ثابت ساختند که در میدان مبارزه برای استقلال و آزادی رزمیدند واکنون روشنفکران ودانشمندان با قلم فرهنگ در امر آزادی واستقلال وآبادی وطن شان، مسوولیت های خود را انجام بدهند.**

تصویب قانون اساسی باید متشکل از مجموع همه نمایندگان مردم در لویه جرگهٔ اضطراری باشند تا قانون اساسی آیندهٔ خود را تصویب کنند.

شام(۲۲) سرطان مهمان والی هرات محمد اسماعیل خان بودیم. در مهمان خانهٔ تخت ظفر فضایی زیاد شاعرانه حاکم بود پس از صرف شام مجلسی گفت وگویی باوی آغاز یافت، از هر دری سخنی رفت واسماعیل خان باخوشحالی و حوصله مندی به پرسشهای دوستان مجلس پاسخ می داد.

اسماعیل خان در مجلس آن شب پیرامون وضعیت ناگوار مردم در ولایات غور وبادغیس اشاره کردند که هنوز زنان ستمکش آن دیار از چرم حیوانات برای خود پاپوش می سازند وهیچ کس تااکنون در فکر آنها نیست.

وی اشاره کرد که این زنان وکودکان وپیرمردان روزها باید پیاده راه بروند تا به یک کلینک برسند که معمولاً بیماران شان تا رسیدن به دوا و طبیب می میرند.

والی هرات در پاسخ سوالی که جمعی شما را از طرفداران سرسخت ایران می دانند گفت: واقعیت این است که من در دوران جهاد ومقاومت بی مهری زیادی از ایران دیده ام وبه گونهٔنمونه ، موردی را می توان بر شمرد که در اثر اجازه ندادن مسؤولان ایرانی در ناحیهٔ ذوالفقار برای دخول به افغانستان ما مجبور شدیم به جای یک ساعت (۱۷) روز را از طریق خواجه بهاوالدین- بامیان- غور طی کنیم.

از آقای اسماعیل خان در مورد رعایت حقوق زن پرسیده شد در جواب گفت که ما خواهان حفظ عفت زن ونجابت خواهران خود هستیم، آن گونه که اسلام برای زنان حق داده است واز این اصل پیروی می کنیم. او اشاره به پارک های وسیعی کرد که در جوار تخت ظفر بنا یافته است که هزاران زن ودختر و کودک با آزادی در کنار همدیگر در زیر نور چراغ های روشن به تفریح وشادی مصروف بودند- دراین هنگام که ساعت ۱۱وسی دقیقه شب را نشان می داد اوگفت: شما ببینید ما برای زنان یک چنین فضایی را آماده کرده ایم زنان با کمال آزادی می توانند تانیمه شبها در هر جایی که خواسته باشند حضور یابند و تفریح کنند و ... من به عنوان یک ناظر در مدت چهارشب اقامت خود در هرات واقعاً دیدم که تاحوالی ساعت۲شب زنان ودختران با خانواده های شان در پارکها وباغهای هرات به تفرج وگلگلشت مشغول بودند وهیچ گونه مزاحمتی نیز از هیچ سویی نمی شدند.

در خلال این نشست پرتو نادری [illegible] کوکنار پرسید. اسماعیل خان گفت: امسال در سراسر ولایت هرات یک بوته کوکنار کشت نشده است. پرتو نادری گفت: درعوض برای مردم شما و مؤسسات ملل متحد چه دادید؟

اسماعیل خان گفت: هیچ، تنها از مردم خواستیم که کوکنار نکارند و مردم هم پذیرفتند

از اسماعیل خان پرسیده شد که چگونه شهروندان هرات شما را دوست دارند وبه شما اعتماد می کنند؟ او در جواب گفت دلیل اصلی آن را من به برخورد خودم وهمکارانم در دوران جهاد با آنها می دانم که هیچگونه ستم وناروایی برآنها روانداشته ایم، در حالی که در خدمت آنها قرار داریم با اخلاص مندی وصداقت برای آنها خدمت می کنیم.

حوالی ساعت۱۲شب از تخت ظفر روانه خانهٔ جهاد شدیم واز دیدن آن ساختمان مجلل وباشکوه لذت بردیم وکیف کردیم.

خانهٔجهاد که بسیار مجلل آباد شده است تصاویری از صحنه های نبرد آزادی بخش و نمادهایی از ابزارها و وسایل رزمندگی در آغاز جهاد را در خود جای داده است تا خاطره های جاودانه آن صحنه های ارزشت ناک فراموش نشود.

وقتی در برابر نمونه هایی از تفنگ هایی کهن که در آغاز جهاد از آنها در جنگ برضد اشغالگران استفاده می شد قرار گرفتیم و یکی از حاضران گفت: "تفنگ چه کار می آید.تفنگ را دوست ندارم" ... راستی تفنگ در افغانستان خرابی هایی را به بار آورده است کمتر می توان آنها را به بدی یاد نکرد.ولی باید توجه کرد که این زشتی ها کار تفنگ نی بلکه کار تفنگ داران بد اندیش بوده است. والا تفنگی که برای آزادی واستقلال وپاسداری از عزت و شرف مردم به کار رفته است نه تنها قابل نفرت نیست که شایسته بوسیدن است ص٦

نعیم فراشری

شاعر پارسی گوی آلبانی

صبر وامید

ای زمان رفته! حسرت پروری
دلخراش وتلخ وماتم آوری
از تو این دل جز به آه ودرد وزار
جز به اندوهی ندارد یادگار
هر مصیبت کز دلم بگذشته است
بادیئی تأثیر دیگر گشته است
گلشن دل را نماند اکنون گلی
سبزه یی، یامیوه یی، یاسنبلی
خاک شد، خاشاک شد، افسرده شد
چاک شد، غمناک شد، پژمرده شد
غنچه ها گل ها شده محو وتباه
مانده گلبن سخت وبی برگ وسیاه
تانباشد حاصل امر آرزو
یک شکوفه است عمر ما بی رنگ وبو
همچنان کاندر زمستان آفتاب
سرکشد گاه گاه از زیر سحاب
شعله یی از چشمش آید برجهان
باز باشد لیک پنهان ناگهان
آنچنان اندر دلم روی امید
درمیان دردها باشد پدید
ناگهان، لیکن شود محو وفنا

می نهد اندر دلم دیگر عنا
نیم مرده شمعکی بینم زدور
در دلم آید ازو تاب وسرور
می روم با صد امید وصد شتاب
وان امید، آن شمع خواب است وسراب
می ندانم کیست، کو بی درد ورنج
زیست اندر عالم خوار وسپنج
جان ودل همواره اندر زحمتند
در مشاق وغفلت ودر محنتند
من ازین بازیچهٔ دوران مات
وین غم من برقرار وبرحیات
من شوم بیرون ازین دار ودیار
او مگر بعد از وفاتم پایدار
کشتی عمر بشر در بحر دور
می رود همواره پیش"با" باد جور
بادبانش آه وحزن وحسرت است
بار او اندوه ویأس ومحنت است
درمیان موج این بحر غریب
افتد وخیزد به صد گونه نهیب
هرنفس درگیر ودار وکارزار
دائماً در کار وبار وبی قرار
می نتاند لیک هیچ انداختن
لنگرش در بحر اکدار ومحن
دائماً پیشش سراب آسا امید
ناگهان در قعر باشد ناپدید
شد تلف اینجا چنین کشتی هزار
تخته یی زآنها نبینم برکنار!
آن که مردم رازحسرت ساخته است
در دلش صبر وامید انداخته است

مولاناخلالی رستاقی

آیینه

به سعی بی خودی تا می توانی در دلی جاکن
حصول مقصد نایاب خود از دل تمنا کن
بود چون صبح هستی پرفشان از گرد معدومی
رموز امتحان شو گوشهٔ چشمی به خود واکن
گرفتم همچو گلشن رنگ وبو گشتی بهارت کو
بیا همچون حنا رنگی به پای یار سودا کن
به وضع خود سری روی از اسیران تافتن تاکی
من این آیینه را صیقل زدم یک ره تماشا کن
"خلالی" از تعلق های امکان وارهان خود را
به سان موج دریا عقدهٔ دل را زسر، وا کن

به گزینش"ح.فروز انفر" شاگرد صنف نهم رابعهٔ بلخی

جلال فرهیخته

قرهٔ عین

نشین بردو دیده چو بردل نشستی
شدی گل به قلب عنا دل نشستی
سویدای عارف گزیدی تومأوی
به صد ناز وعشوه به منزل نشستی
زدوچشم من شط خون گشت جاری
توچون، همچو لیلی به محمل نشستی
مرو تا مبارک بود خانهٔ دل
همباره، چو اینجا به مشکل نشستی
ایا قرهٔ عین شب زنده داران!
نشین بردو دیده چو بردل نشستی

پدرود

شعر از: سرگی یسی نین شاعر روسی
برگردان به دری: جلال فرهیخته

در خراسان دروازه هایی است.
که آستانهٔ آنها گلباران شده.
درآنجا پریی منهمک درخویشتن سکنی گرفته.
در خراسان چنین دروازه هایی است.
اما،
من آن دروازه ها را گشودن نتوانستم.

•••

دست هایم نیروی کافی دارند،
در موی هایم طلا وروی است،
آواز پری لطیف وزیباست،
دست هایم نیروی کافی دارند،
اما،
دروازه ها را گشودن نتوانستم.

•••

جرأت عاشقانهٔ من راه به جایی نبرد،
برای چه؟
من به که سرود بخوانم؟

•••

دروازه ها را بازنتوانستم،
جرأت عاشقانهٔ من راه به جایی نبرد.

•••

من باید به روسیه برگردم.
پارس!
این ترا پدرودمی گویم.
آیا
عشق سرزمین بومی
مرا از تو برای همیشه جدا می سازد؟
وقت آن است که به روسیه برگردم.

•••

من ترا پدرود می گویم،
پری!
پدرود!
هر چند من دروازه هارا گشودن نتوانستم
اما تو

مایهٔ ایجاد دردی زیاد
شده یی.
در بارهٔ تو،
در زاد بومم
خواهم سرود.
تا به دیدار دگر باره،
پری!
پدرود!

دبرکت ونه

د ش-زیارمل لیکنه

په رښتیا چي دبرکت ونه او ښکلي دیره وه بزګرانو بـه ورلاندي خپلي قلبي ترلي، سترېو او لاړویو بـه ترلاندي دمه نیوله. دکلي خلکو بـه خدایي میلمانه پـریخو او بـو او چـایو نـازول، خـتم وخیرات، مړي او ژونـدي ټـول ترهمدي

هوکـي! همـدا دبرکـتونو مـیوه داره ونـه یـي لـه بـیخه راوویسـته او دهغـي پـرخاي یـي چـي داموـله سـیندنه پـوري غـاړه کـوم بـي شمیره نیالګي وارد کړل زمـوږ لـه زیړي، غیرتي خـاوري سره یي ډډه ونـه لګیده، نـه یي بـیخ شین شو او

خاوري سرتیتي او خجل وتښتیدل.
هوکـي! تاسـو ولـیدل چـي بـیا هـم دازموینـي ډګـرته پـه غولوونکـي بڼـه بـل خـوك راغـي دمـیرویس، احمـد شـاه پـه ستره جالـه کـي داخـل پنجابـي بخغلـي وکـرل شـول، دغـه تخـم تـه هـم د بـي

برکتناکـي او مـیوه داري ونـي لانـدي سرته رسـیدل. هوکـي! چا بـه خـپل کـور او چا بـه دیره بلله.
لــه بــده مــرغه چــي ددي وطــن دښمـنانو زمـوږ دغـه آرامـي او ښـیرازي ونـه زغمـلـه. زمـوږ هوسـباز بچـیان یـي دشـرابو پـه نشـه مسـت او دولولـو پـه دریـاب کـي لاهـو کـړل. دهغـو پـه لاسونو کـي یـي دبـې اتفاقـی او ګمراهی تبرګـي ورکـړل. پـه شـایي وتـپول شاباسـي یـي ورکـړ. زمـوږ دپت او عـزت جالـه او دیـره یي پري ورانه کړه.

نـه یـي پاڼـي وکـړي. نـه تـري دافغـان دمـرادونو ونـه جـوړه شـوه او نـه یـي خرانګـي وغځـیدي. نـه یـي چاتـه دیـره جوړه کـړه او نـه یـي چاتـه مـیوه ورکـړه...

بلـي بلـي! تاسـو ولـیدل او تـاریخ شـاهد دي چـي دغـه وارد شـوي نیالګـي یـي داوبـو پـرخاي دبـي شمیره انسـانانو پـه وینـو سـیرابه کـړل پـه وینـو خـو بیایـي هـم افغـان غیرتـي خـاوري ریښـي ور وچـي دخـزان بـادونو پـه نـابودي محکـوم او مغـروره باغوانـان یـي هـم زمـوږ لـه

شمیره انسـانانو لـه وینو او غوښـو نـه سره او اوبـه برابـر شـول او پـه دوامـداره توګـه یي څارنـه او پالنـه وشوه خو نـه یي جـرړو او ریښـو تـه ځمکـي دغځـیدلو اجـازه ورکـړه او نـه یـي دپـردیو دهـیلو غوټي ونیولي.
عجیـبه لاداده چـي داخـل پـه دغـه پاکـه او غیرتـي خـاوره کـي نـوي تخـم وکـرل شـو بلـي نـوي تخم وګـورو چـي زمـوږ خـاوره، زمـوږ اوبـه او زمـوږ دهـیواد زیـږ طبیعـت ورتـه دودي او زرغونتیا اجازه ورکوي که نه؟!!!

پیشینهٔ پربار فرهنگی سرزمین افغانستان

دکتر شمس الحق آریان فر

افغانستان را پژوهندگان نقطهٔ مذاب گفته اند. به این معنی که فرهنگ های مختلف در این خطه ذوب گردیده وبه گونهٔ نوین باامتزاج فرهنگ های بومی بارور گشته است.

افغانستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی اش به عنوان قلب آسیا، در آسیای مرکزی در محلی قرار گرفته که بزرگترین مدنیت های جهانی در آن هستی یافته است.

دیرین شناسان به این باور اند که برای نخستین بار کشت گیاه در شمال افغانستان ویانقاط همجوار آن صورت گرفته است. اسب، شتربلخی، بزوحشی، گراز، گاو وحشی وبوف الوی وحشی که به گونهٔ غژگاوها امروز وجود دارند، همه در این سرزمین اهلی گردیده اند.

با در نظر داشت این پارینگی است که در رابطه به آسیای مرکزی وافغانستان، دانشمندان گفته اند: "اگر آسیای مرکزی را نباید یکی از مراکز عروج انسان دانست، ولی حد اقل می توان آن را یکی از نواحی که در ادوار بسیار قدیم انسان در آن می زیسته، به شمار آورد"(۱)

باستان شناسان عمر بقایای انسان های جاوا وپیکن را یک میلیون سال قبل وانسان های نئاندرتال وهایدلبریگ را از ۴۰۰تا۵۰هزار سال پیش از امروز دانسته اند. کشف بقایای نئاندرتال در غار تیشک تاش در جنوب ازبکستان و در همسایگی افغانستان، نشان می دهد که پیشینهٔ مراحل زیست انسانی در این خطه تاکدام روزگاران می رسد.(۲)

در افغانستان نمودهای مادی از همه مراحل زیست انسانی از عهد حجر تاامروز به صورت مشخص وجود دارد که به این اساس، خود موزه یی است در جهان ودر جامعهٔ بشری.

تسلسل منظم فرهنگی را در افغانستان از پیشینه های دور تا امروز به روشنی می شود شناسایی کرد.

عهد حجر: به استناد آثار مادی ومواضع باستانی در افغانستان، مراحل زیست انسانی در دوره های مختلف حجر به روشنی شناسایی گردیده است.

۱– دورهٔ پارینه سنگی: دانشمندان این دوره را به سه مرحله تقسیم نموده اند:

پارینه سنگی زیرین: تحقیقات باستانشناسی در دشت ناور غزنی شواهد این دوره را مشخص ساخته است، هر چند برخی پژوهندگان در زمینه تردید دارند.

۲- پارینه سنگی میانه: دانشمندانی چون دوپریDupree، مک بورنیMcburny، و وینوگرادفVinogradov، در افغانستان، اطلاعات زیادی را درا ین زمینه ارائه داشته است.

در سال ۱۹۵۰از کناره های آمو دریا، سرپیکانی به دست آمد. در ۱۹۵۴ کارلتن کون امریکایی، قره کمر را حفاری نمود وبه استناد ارزیابی چقماق ها، استخوان حیوانات خاکستر وزغال به دست آمده این غار را مربوط به عصر پارینه سنگی میانه وعمر آن را از ۴۰ تا ۵۰ هزار سال پیش تعیین نمود.

ایتالوی ها در هزار سم سمنگان این مرحله را شناسایی کردند وقدامت آن را از ۱۲تا۴۰ هزار سال قبل دانستند وهمین گونه در درهٔ کر بدخشان نخستین جمجمهٔ انسان پارینه سنگی میانه به دست آمد که آثار آن را از ۱۹۰۰ تا ۳۰۳۰۰ سال قبل تخمین زده اند. با آن که دیوس Davis بعد از مطالعهٔ این تحقیقات وپژوهش ها، تنها قدامت درهٔ کر را تأیید می کند.(۳)

۱- اپارینه سنگی زیرین: این دوره در هزار گوسفند ودرهٔ کر بدخشان، در قره کمر باقدامت۱۰هزار سال و آق کپروک با قدامت۱۶هزار سال پیش شناسایی گردیده است. لوی دوپری بامطالعه تراشه ها، تیغه ها وتراشه های تیزکننده در آق کپروک عمر آن را۲۰هزار سال قبل می داند.

۲- میان سنگی: آثار این دوره در غار قره کمر وغار مار اسپ ودر آق

افغانستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی اش به عنوان قلب آسیا، در آسیای مرکزی در محلی قرار گرفته که بزرگترین مدنیت های جهانی در آن هستی یافته است.

کپروک به دست آمده است. کشف بقایای گوسفند وحشی، وغزال، روبا وپرندگان نشان می دهد که هنوز امرار معاش از طریق شکار بوده است وحرکتی وجود داشته به سوی یک اقتصاد تولیدی.

۳- نوسنگی: در این مرحله افزار سنگی رشد نمود، کشاورزی آغاز گردید وجهت نگهداری حبوبات انسان به سفال سازی دست یازید.(۴) به اساس این دستاوردها بود که این دوره را"انقلاب نوسنگی" نام نهاده اند. باستان شناسان شوروی به این باور اند که زرع گندم در۱۶تا۴هزار سال ق.م. در کناره های آمو در شمال افغانستان صورت گرفته واز آنجا به مندیگگ رفته است. آثار این دوره توسط لویی دوپری امریکایی در آق کپروک بلخ، چنار گنجشکان تخار، درهٔ کر وهزار گوسفند بدخشان شناسایی گردیده است.

عهد برنز: رشد کشاورزی، ایجاد سفال های منقوش، ساختن خانه ها از خشت خام، وایجاد پیکره های سفالین که نماد ایزدان باروری بودند از مشخصات این دوره است. مناطق دشلی تپه وشور توغی در تخار، لایه های زیرین مندیگگ، سید قلعه وطبقات بالایی آق کپروک، قره کمر و درهٔ کر نمودهای این فرهنگ است که عمر آن را تا ۲۰۰۰ق.م. تعیین کرده اند.(۴)

عهد آهن: مواضع عصر آهن افغانستان در قزل تپه بلخ، طلاتپه جوزجان، شهر سوختهٔ سیستان، مندیگگ و دموراسی قندهار شناسایی گردیده است.

فرهنگ عهد آفتاب پرستی: معبد آفتاب پرستی افغانستان در کوتل خیر خانهٔ کابل کشف گردید که مجسمهٔ سوریا رب النوع آفتاب از آنجا به دست آمد. آثاری مربوط به این مدنیت از بغاز کوی آسیای صغیر نیز به دست آمده که باستان شناسان قدامت آن را به هزارهٔ دوم پیوند می زنند.(۵)

فرهنگ ویدایی: مترجم سرود های ریگ ویدا به زبان دری، جلال نائینی می نویسد: "ریگ ویدا برای ما ایرانیان از سه نظر در خور اهمیت است: یکی بستگی به تاریخ جهان ودو دیگر تعلقش به تاریخ هندوستان وسه دیگر ارتباطش به تاریخ فرهنگ وتمدن ایران باستان".(۶)

مؤرخ بزرگ هند دکتر تارا چند می نویسد:" دوتیرهٔ آریایی - هندوآریایی - پیش از آن که از موطن اصلی از هم جدا شوند، مدت طولیلی در کنار هم زیستند و واجد یک فرهنگ ومذهب هندو ایرانی بودند واگر نتوان به تمام جزئیات آن پی برد، قسمتی از آن را می توان از طریق مقایسه"ویدا" ها با"اوستا" مشخص ساخت.(۷)

دانشمندان به این باور اند که بخشی از پارینه ترین سرود های ویدی یعنی "ریگ ویدا" در بلخ سروده شده وتوسط آریاییان مهاجر به هند رفته است وبدین گونه ملت ما شریک این میراث بزرگ است که در هزارهٔ دوم قبل از میلاد پیوند می خورد.

فرهنگ اوستایی: زردشت را عده یي از دانشمندان به هزارهٔ اول ق.م. پیوند می دهند، در حالی که استاد پور داوود به استناد قول خسانتوس در

دانشمندان به این باور اند که بخشی از پارینه ترین سرود های ویدی یعنی"ریگ ویدا" در بلخ سروده شده وتوسط آریاییان مهاجر به هند رفته است وبدین گونه ملت ما شریک این میراث بزرگ است که در هزارهٔ دوم قبل از میلاد پیوند می خورد.

قرن۵قبل از میلاد که زردشت را۶ هزار سال قبل از خویش دانسته است، وارسطو که زردشت را۵هزار سال پیش از جنگ یونان وترباس می داند، عقیده دارد که زردشت۸هزار سال پیش از امروز زیست داشته است.(۸) به هر حال آیین زردشت در بلخ بالنده گردید که آتش کده های بلخ وسرخ کوتل یادگار آن عظمت است. از معابد زردشتی عهد هخامنشیان "معبدغلامان" در زابل است که در۱۳۴۵توسط ایتالوی ها حفریات گردید وپیوند آن بافرهنگ اوستایی مشخص گردید.

فرهنگ گریک وباختری: نمود مشخص این فرهنگ که از امتزاج هنر یونان وباختر ایجاد گردیده است، شهر آی خانم است که در مقاطع دریای کوکچه وآمو در ولایت تخار موقعیت دارد.

گریک وبودیک: این فرهنگ از پیوند هنر یونانی وبودایی به وجود آمد. نمود آن را در مجسمه ها وکله های بودا به خوبی می شود مشاهده کرد. تیکرها وخم های به دست آمده از قره بایی در شهرتالقان توسط فرانسوی ها، بیانگر این امر است.

فرهنگ بودایی: هرچند آیین بودیسم در نیپال به وجود آمد، اما در

در افغانستان نمودهای مادی از همه مراحل زیست انسانی از عهد حجر تاامروز به صورت مشخص وجود دارد که به این اساس، خود موزه یی است در جهان ودر جامعهٔ بشری.

افغانستان رشد کرد واز انجا به جنوب شرق آسیا رسید تا آنجاکه عجایب هفتگانه عالم بودایی را در افغانستان دانسته اند. تخت رستم، حوزهٔ بزرگ گندهارا، تپه سردار غزنی، معبد هده، معبد گلدرهٔ لوگر، معبدنوبهار بلخ، معبد بگرام، کاپیسا وکابل نمودی است از عظمت بودایی در افغانستان.

فرهنگ ساسانی: در درهٔ مهر نگار منطقهٔرویی و دوآب ولایت سمنگان در زوایهٔ کوهی، قلعهٔ سنگی وجود دارد که بنام قصر دختر نوشیروان مشهور است. در دیوارهٔ این قلعه نقاشی هایی وجود دارد که دانشمندان آن را از هنر عهد ساسانی دانسته اند.

فرهنگ عهد اسلامی: با ترویج اسلام در افغانستان اگر مظاهر فرهنگ بودایی منسوخ شد، نمود هایی از فرهنگ اسلامی بالنده گردید. مساجد، معابد وآبده ها باتزئینات وهنر اسلامی آراسته گردید. از آن شمار است برخی آثار تاریخی دورهٔ اسلامی که به عنوان میراث ارجمند آن دوره تا هنوز برجاست:

۱– مسجد حج پیاده: با نه گنبد که در سه کیلومتری جنوب بلخ واقع است. این مسجد در عهد سامانیان در قرن۹هجری ساخته شده است.

۲– مقبرهٔ سلطان محمود غزنوی: که در شهر غزنی واقع است ودر قرن۱۱میلادی ساخته شده است.

۳- قلعه بست: قصر زمستانی شاهان غزنوی بود که در قرن۱۴ توسط چنگیز آتش زده شد.

۴- مینارهای غزنی: که دو آبدهٔ آن به قرن۱۲ میلادی تعلق دارد.

۵- زیارت بابا خانم: که در جوزجان موقعیت دارد ودر قرن۱۲در عهدغزنویان اعمار گردیده است.

۶- مینار جام: در یکی از دره های غور به ارتفاع ۶۶ متر در زمان سلطان غیاث الدین غوری درسدهٔ ۱۲ساخته شده است.

۷- مسجد جامع هرات: در عهد سلطان غیاث الدین"۱۲۰۲م" اعمار شد. قبر آن نیز در زیر گنبد شکالی آن قرار دارد. در زمان تیموریان تزئیناتی بر آن افزود گردید.

۸- مصلای هرات: طرح مصلای هرات را ملکه گوهر شاد ریخت وخود از آن نظارت می کرد.

۹- گازگاه شریف: این مقبره که هنر عهد تیموریان است در زمان شاهرخ میرزا ساخته شده است.

۱۰- قلعهٔ اختیار الدین: این قلعه که خاطراتی از روزگار چنگیز وتیمور را به یاد دارد، مدت یکصد سال قرارگاه امپراطوری تیموریان بود.

۱۱- روضهٔ حضرت علی"رض": مقبرهٔ حضرت علی در بلخ به شکل امروزی آن میراث دور تیموریان است.

۱۲- مقبرهٔ خواجه ابونصر پارسا: آرامگاه عارف بزرگ ابونصر"۱۳۶۰م" همچنان از ابدات عصر تیموریان است.

۱۳- چهل زینهٔ قندهار: توسط شهزاده فیروز بخت وبه امر بابر ساخته شد. کتیبهٔ مبنی بر تاریخ ساختمان وشرح فتوحات بابر در آن جا وجود دارد.

۱۴- زیارت احمد شاه بابا ومیرویس بابا در قندهار ومقبرهٔ تیمور شاه از بناهای دیگری است که ار دوره های پسین باقی مانده است.

۱۵- قصر باغ بالا، دارالامان، ومسجد شاه دوشمشیره از بناهای عصر امان الله است که نمودی از فرهنگی ترکی را به نمایش می گذارد.(۹)

آنچه گفته آمدیم به صورت فشرده تداوم یک خط فرهنگی را از ۵۰هزار سال قبل تا امروز به نمایش می گذارد.

×××

۱-تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی، جلد۱، بخش۱، ترجمهٔ صادق ملک شهمرادی، تهران،۱۳۷۴، ص۴۰.
۲- افغانستان ماقبل آریایی ها، نورالله بالقانی، کابل، ۱۳۶۷، ص۸۶
۳- تاریخ تمدنها... همان ص۶۶
۴- افغانستان در پرتو تاریخ، احمدعلی کهزاد، کابل۱۹۶۸، ص۲۴.
۵- نقش ایرانیان در تاریخ تمدن جهان، عبدالرفیع حقیقت رفیع، تهران ۱۳۷۸، ص۷۶.
۶- گزیدهٔ سرودهای ریگ ویدا، ترجمهٔ جلال نائینی، تهران۱۳۷۶، ص۱۴۲، همان ص۲۱.
۷- گاتاها، ترجمهٔ پور داوود. تهران۱۳۷۸، ص۲۶.
۸- بناهای یادگاری افغانستان، نانسی دوپری، پشاور۱۳۷۷، ص۱۲-۲۸.

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

قرائت جنبش های اسلامی از دموکراسی

قسمت هشتم

یقیناً فلسفه یی از این طراز با بینش اسلامی عمیقاً در تضاد است، فلسفهٔ دموکراسی مساوات ایمان و الحاد را در عرصهٔ فکر اباحیگری و پایبندی را در عرصهٔ سلوک و اخلاق و سرمایه سالاری لجام گسیخته و اسراف پیشه را با نظام پایبند به مصلحت جامعه در عرصهٔ اقتصاد، به نشخوار می گیرد که با اسلام در تضاد است اسلام همسانی میان این گرایش ها را پذیرا نبوده و آن آزادی لجام گسیخته را که به باطل، رذیلت و ستم منجر گردد مردود می داند".

"فشرده آن که با مدار اعتبار قرار دادن دموکراسی به حیث یک مکتب اجتماعی مشخص، نمی توان برای آن جایگاهی در اسلام تعیین کرد و اسلام هرگز آمادگی آن را ندارد که از چنین مهمانی پذیرایی نماید، زیرا اسلام و دموکراسی دو مکتبی اند مخالف هم، در اصول و ریشه ها و در فلسفه و نحوه تطبیق".(۱)

بدون شک آن هایی که به دموکراسی به حیث یک مکتب اجتماعی و فلسفهٔ فکری خاص می نگرند، آن را مردود دانسته و جایی برایش در گفتمان معاصر اسلامی نمی بینند.

عامل دیگر در اتخاذ چنین مواضع همانا افتخار به هویت فکری و فرهنگی است که مسلمانان را از تگدی و دریوزه گری از مکاتب فکریی ساخته و پرداختهٔ بشری باز داشته و این باور را در آن ها القا می کند که مکتب آن ها در همهٔ بخش های زندگی، رهنمودهایی دارد.

این ملاحظه را استاد عبدالفتاح پروفیسور علوم در دانشگاه قاهره، موجه دانسته و ضمن دعوت از مسلمانان به ایجاد سیاست مستقل اسلامی، آن ها را از استیراد نظام های غربی و در رأس دموکراسی هشدار می دهد.

او می گوید: "امت اسلامی وجیبه دارد که در راه ایجاد نظام های مورد نیازخویش تلاش ورزد و راه حل هایی برای آن ها از کتاب و سنت استنباط نماید، تا از یک طرف ایمانش در امان و از جانب دیگر زندگی خود را سروسامان دهد".(۲)

حمید عنایت هم آن گاه که موضعگیری منفی امام مودودی در برابر دموکراسی را بررسی کرده و در عین حال نگاهی به موضع مردم گرایانهٔ او در انتخابی بودن حکمروایان و پاسخگو بودن آن ها در برابر حکومت شوندگان می اندازد، به این موضوع اشاره نموده و می گوید: "شاید بتوان این مخالفت را با توجه به پیرایشگری ویا منزه طلبی فرهنگی اصل گرایان که در اصول هر نهاد غربی را رد می کنند یا تصور کلیشه یی که راجع به ناسازگاری ارزش های دموکراتیک غرب، با رهیافت های مسلمانان دارند، توجیه کرد".(۳)

واما آن دسته از نظریه پردازان که نسبت به عنوان قرار دادن "دموکراسی اسلامی" تشویشی به خود راه نمی دهند، منطق آن ها در این راستا، همانا تأمین اهداف و مقاصد اسلام به حیث یک دین پایا و پویا در چنبرهٔ این جهان متحول با همه ویژگی ها و نیازهای نوزاد آن است، اسلامی که تعاطی و داد و ستد تجارب بشری را با مراعات قواعد کلی و روح عام و ثوابت دین ، امری می داند معقول و پذیرفتنی و دلیلی، بر پایایی خود در روزگاران منقلب و روبه تحول.

بربنیاد همین نگرش و با استدلال به چنین منطقی، می توان طرح بازسازی تیوری خلافت را که توسط رشید رضا و استادش شیخ محمد عبده دربحبوحهٔ شکل گیری جنبش اسلامی معاصر چوکات بندی گردیده است درک نمود.

طرح بازسازی خلافت توسط رشید رضا طوری که حمید عنایت می گوید: "طرحش برای بازسازی خلافت دو جهش مستقیم بر دو مسألهٔ مهم دارد: اصل حاکمیت مردم (مردم سالاری) و امکان وضع قوانین از جانب بشر".(۴)

ادامه دارد

پا ورقی ها:

۱-اندیشه سیاسی در اسلام معاصر ص۱۹۳
۲-دستور الوحده الثقافیه بین المسلمین ص۲۱۱
۳-نظرات فی الفقه السیاسی ص۷۲
۴-فتوای شیخ قرضاوی به نقل از مقالهٔ فهمی هویدی تحت عنوان الاسلام والدموقراطیه از کتاب الحرکات الاسلامیه والدیموقراطیه ص۴۸.

نوشتهٔ دکتر عبدالحلیم غویس
ترجمهٔ فضل الرحمن فاضل

نقش تعصب قومی در سقوط دولت اسلامی اندلس (هسپانیه)

قسمت هژدهم

انقسام اندلس به این دولت های کوچک بنا یافته بر اساس نژادی و قومی. آنان را واداشت تا خویشتن را با خضوع و تواضع در پاهای نصرانیان شمال بیفگنند و به خاطر بقای خویش از آنان استمداد بجویند و حتی به جزیه دادن راضی گردند.

این تقسیمات به مصیبت و بلای بزرگی انجامید که آن سقوط طلیطله –قلب اندلس– در دست نصارا بود. قلب اندلس برای همیش روز چهار شنبه ششم جنوری ۱۰۸۵ میلادی سقوط کرد. با سقوط این شهر، قشتالی ها، همه سرزمین هایی که از طرف شمال به دریای تاجو می انجامید، همراه با شهر طلبیره در غرب و شهرهای وادی حجاره و شبنتریه در شرق را به تصرف در آوردند و وادی تاجو هم با سقوط طلیطله در قلب هسپانیه سقوط کرد.

قشتالی های مسیحی سرزمین پهناور اندلس را که از جنوب تا کوه های قرطبه امتداد داشت، تصرف کردند و نام آن را قشتالهٔ جدید گذاشتند.

مسلمانان خسارهٔ بزرگی را متحمل شدند. ایشان ربع مساحت هسپانیای اسلامی را با روستاها و کشتزارهای بی شمار و شهرهایی که روزگاری مظهر تمدن اسلامی بود از دست دادند. اندلس برخلاف عادت، از قلب شکاف برداشت و مسلمانان درحرج واقع گردیدند و با وجود آن که امرای مرابطین و موحدین در مغرب به یاری ایشان برخاستند، نتوانستند طلیطله را باز پس گیرند.

اندلسی ها در وضع دردناکی قرار گرفتند که ابو محمد عبدالله بن فرح معروف به ابن عسال شاعر مشهور آن عصر این احساس را چنین تصویر می کند:

اندلسیان آماده حرکت شوید
لختی درنگ دیگر اشتباه است
جامه معمولاً از اطرافش پاره می شود
اما من می بینم اندلس از وسط پاره شده است

این بود "بازده" و میوهٔ تلخی که نژادگرایی و قوم گرایی به مسلمانان اندلس ارمغان آورد و طعم تلخش را همه اعم از عرب و بربر و دو رگه چشیدند.

آنچه در اندلس به وقوع پیوست، از روح دلنواز برادری اسلامی و شریعت عدالت گستر آن به دور بود. شریعتی که بر نژادگرایی و قوم گرایی خط بطلان کشیده و گفته است که:

عربی بر عجمی و عجمی بر عربی جز به تقوی و عمل صالح، برتری ندارد و قرآن فرموده است:

یا ایها الناس، انا خلقنکم من ذکر و انثی و جعلنکم شعوباً وقبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم. الحجرات:۱۳.

پایان

هرات، شهر حماسه و...

و اسماعیل خان هم آن تفنگ ها را از همین جهت در خانهٔ جهاد به یادگار گذارده است. و باید توجه کرد کهبرای همیشه در برابر دشمنان آزادی و استقلال وطن به تفنگ نیاز است و دیگران هم بر سروپای دشمنان خویش گل نمی پاشند و اگر چنین بود پس این همه سلاحهای مدرن را از بهر چه می سازند؟

همهٔ ما روز (۲۳) سرطان را در دیدار از پوهنتون هرات فاکولته زبان و ادبیات آن پوهنتون و آرام گاه پیر هرات خواجه عبدالله انصاری و امیر علی شیرنوایی و مزار گوهرشاد ومصلای هرات سپری کردیم.

شام ۲۲سرطان مهمان جمعی از فرهنگیان هرات بودیم که در آن جمع تعدادی از شاعران هراتی شعر خواندند. این مهمانی به افتخار حضور داشت پرتو نادری صورت گرفته بود که در آن پرتو نادری تعدادی از شعرهایش را خواند ولحظاتی چند پیرامون وجوهات مختلف شعر معاصر افغانستان سخنرانی کرد.

در دیدار شهر هرات چهره آن را کاملاً دگر گون یافتم من نمی توانم شهر امروز هرات را با (۲۰) سال پیش مقایسه کنم، پار کها، تفرج گاه ها کتاب خانه ها، بنا یافته وشهر چهره عوض کرده است. اکثریت جاده های شهر اسفالت شده و آبادی های زیاد فوق العاده یی در گوشه وکنار شهر دیده می شود.

در اینجا من ناگزیرم از بی مهری های تعدادی از رسانه های جمعی داخلی وخارجی یاد کنم که بسیار ناجوانمردانه لبه تبلیغ تبلیغات شان را متوجه والی هرات کرده اند واین همه تلاش وزحمت کشی اش را در بازسازی شهر هرات نادیده می گیرند.

من قصد تمجید، توصیف وآستان بوسی کسی را ندارم ولی نمی توانم به عنوان یک روزنامه نگار آن همه کار و نو آوری را نیز نادیده بگیرم.

در اینجا به یک نکتهٔ آخری بسنده می کنم که

ایکاش همه جنگ سالاران ما چنین بودند، تا افتخارات بازسازی و نوسازی را نیز نصیب ما می کردند.

اعتراض جبهه ملی....

۱-آقای دکتر رهین رهبری جبههٔ ملی دموکراسی را به عهده ندارد. و تعجب دارند که این کشف را مجاهد از کجا به دست آورده است؟!

۲-گویا مجاهد آنان را به اتهام، سکولاریست خوانده است.

۳-طرفداران مجاهد مخالفان سیاسی خود را دشمن کینه توز می پندارند.

اکنون به گونه یی بسیار فشرده به پاسخ این موارد می پرازیم:

۱- از این که میان جبههٔ ملی دموکراسی و نهضت آزادی ودموکراسی در خبر مجاهد خلط صورت گرفته است معذرت می خواهیم. و این خلط هم چندان بی مورد نیست چون به گفتهٔ خود شما نهضت آزادی ودموکراسی یکی از اعضای مؤلفهٔ جبههٔ ملی دموکراسی است. گذشته از آن که این دو نام با هم بسیار نزدیک است میان این دو سازمان به سخن منطقیان رابطهٔ عموم من وجه وخصوص من وجه بر قرار است و به دلیل هماهنگی و اشتراک اهداف واستراتژی است که آن ها در یک ائتلاف گردهم آمده اند و اگر چنین نیست کار ائتلاف این سازمان ها در جبههٔ ملی دموکراسی بیشتر به شوخی می ماند تا یک کار سیاسی. چگونه می شود شما در یک ائتلاف با سازمانی باشید ولی از برنامه ها و کارنامه های آن براءت جویید؟

لذا تصحیح می کنیم که این تظاهرات نه به کل جبههٔ ملی دموکراسی که به برخی از آن بسته بوده است و آقای دکتر رهین هم نه رهبر جبههٔ ملی دموکراسی که رهبر نهضت آزادی و دموکراسی بوده است، اما به سخن نشریهٔ پلوشه رهبر افتخاری نه رهبر بالفعل!! ولی ما متأسفانه تا هنوز جایی برای یک چنین شوخی هایی در فرهنگ سیاست نیافته ایم زیرا چنان که فقها در باب طلاق گفته اند جدوهزل طلاق جداست در سیاست نیز جدوهزلش جداست و کارش شوخی بردار نیست. البته ریاست ها و رهبری های افتخاری زمینه هایی دیگر مانند آکادمی ها و دانشگاه ها و موسسات خیریه و... است نه احزاب سیاسی. بناً ما چه تقصیری داریم اگر ایشان را رهبر آن سازمان خوانده ایم نه رهبر افتخاری ان؟!

۲- وقتی ما این تظاهرات را به سکولاریستان بسته دانستیم دلیلش شعار های گفته شده در این تظاهرات بوده است. در این تظاهرات بر ضد بنیادگرایان و جنگ سالاران شعار داده شد. وحمایت ازنشریهٔ آفتاب که به اتهام توهین به اسلام توقیف شده است وآشکارا طرفدار سکولاریسم است واگر چنین نیست ومثلاً مراد شما از این شعارها طالبان والقاعده و کسانی دیگر از این قماش است چه کسانی بیشتر از مجاهدان در برابر طالبان والقاعده وگروه هایی افراطی مانند آنان رزمیده اند؟!

مجاهدان وهمهٔ مسلمانان باور دارند که اسلام یک برنامهٔ فراگیر است و بر تمام گوشه های زندگی فرمان می راند وجدایی میان دین وسیاست را نمی شناسد و سکولاریستان بر خلاف، عرصهٔ دین را از زندگی وسیاست جدا می دانند. پس شما که مخالف اندیشهٔ سکولاریستی هستید و دین را از سیاست جدا نمی دانید رسماً این مطلب را ابراز کنید و بسیار به جا هم است که در پهلوی سایر مسمانان مطالبه نمایید که این موضوع در قانون اساسی هم رعایت شوداما باید توجه داشت که استفاده از شیوهٔ پنهانکاری وتوریه والتباس در عرصهٔ اندیشه وسیاست کاری شایسته ودر خور ستایش نیست و این زمینه بیشتر از هرچیزی دیگر به صراحت وشفافیت نیازمند است.

۳- مجاهد هرگز مخالفان سیاسی خود را دشمن کینه توز نمی پندارد. مجاهد تنها دشمنان آزادی واستقلال وفرهنگ وهویت افغانستان را دشمن می پندارد و شما می دانید که برضد آنان چگونه رزمیده است. اما با مخالفان سیاسی اش پیوسته از مدارا وتحمل و فداکاری وگذشت کار گرفته است. آنان را برسر سفرهٔ خونبهای خویش فراخوانده و از آنچه در توانش داشته در طبق اخلاص برایشان نهاده است.

حتی دشمنانش را عفو کرده و خون پدر وبرادر کشته اش را به جوان مردی بدانان بخشیده است. آنانی را که از هیچ درندگی در برابر مجاهدان دریغ نورزیدند پس از آن که جنگ فرونشست در کنار گرفت و از کرده های زشت شان یادی نکرد. مگر این ها را مردم ما فراموش کرده اند که شما تحمل ومخالف پذیری را به ما می آموزانید؟!

نقش زبان در قانون...

خواه هر چه باشد در صورت آشنا بودن ومروج بودن در بین مردم به مفهوم بودن جمله ، یاری می بخشد واستعمال آن هیچ گونه حرجی نیست.

این یک واقعیت است که کلمات آشنا به سادگی جمله جذابیت بیشتر می بخشد، ولی هرگز به این معنی نیست که هرگاه کلمه، نا آشنایی بتواند احساس مطلوب را به شکل درست تر انعکاس بدهد از استعمال آن اجتناب ورزید، پس قاعده فوق الذکر یک قاعده فرعی پنداشته شده باید به ضرورت های استعمال کلماتی که دقیقاً احساس مطلوب را انتقال می دهد راه را خالی نماید زیرا همچو اشکال بهتر از این است که ابلاغ به شکل کامل آن ناکام شود.

مختصر نویسی

اختصار نویسی تقریباً معادل استعمال مقتصدانه، کلمات بوده در قانون گذاری یک هدف ارزشمند به شمار می رود، ولی نمی توان به شکل اغراق آمیز آن را رعایت نمود. کوشش های جسورانه در اختصار نویسی منتج به حشو واطناب می شود. پس قانون گذار باید احتیاط بیش از حد به خرچ دهد تا از افتادن در همچو گودال محفوظ باشد.

نظم وترتیب

طرح نمودن موضوعی به شکل مرتب ومنظم یک مساعدت گران بهایی است برای مفهوم بودن آن، زیرا اگر مطالب به شکل برنامه ریزی شده وتسلسل منطقی بحث شود عبارت سلیس وبیشتر خوانا بوده باسهولت بیشتر قابل فهم خواهد بود وبدون آن ممکن نیست قانون طرح شده یی که فاقد ساختمان وشکل منظم بوده باشد ساده وزیبا جلوه نماید.

در این مورد نگاشته می شود که قانون باید به شکل کلی وجزوئی از نظم وترتیب معیاری بهره مند باشد. به این معنی که یک قانون به صورت مجموع دارای ترتیب خاصی که همان قانون مقتضی آن است، باشد. قانون موصوف از عناوین، مقدمه، تعریفات، جداول، متفرقه، حذف، ازدیاد وغیره اجزای درست بهره، وافر داشته باشد وهمچنان جملات هرقانون طبق دستورهمان زبانی که قانون در آن طرح می شود، پی ریزی شود.

دقت وصراحت

دقیق بودن موضوع وماده های قانون نهایت ضروری است؛ زیرا قانون همیشه در معرض تفسیر وتشریح قضات ودیگر شارحین قانون قرار می گیرد وبه علاوه مردم که قانون برای آنها وضع شده است دلچسپی خاص به این امر

> **اگر مطالب به شکل برنامه ریزی شده وتسلسل منطقی بحث شود عبارت سلیس وبیشتر خوانا بوده باسهولت بیشتر قابل فهم خواهد بود**

دارند که قانون در یک زبان معین گنجانیده شده باشد. قانون گذار منتهای کوشش به خرچ دهد تا در طرح وتسوید قانون الفاظ مبهم ونامعلوم را استعمال ننماید. در صورت استعمال همچو الفاظ مبهم ونامعلوم قانون وضع شده باعث نفرت مردم بوده و مورد انتقاد قضات ودیگر شارحان قانون قرار می گیرد.

آشکارا است که دقت وصراحت در یک موضوع امر مطبوع است، خواه در اسنادهای تقنینی باشد یا نوشته های دیگر ولی مشکل است که دقیقاً آنرا تعریف نماییم، یا قاعده یی را وضع کنیم تا با پیروی از آن بتوانیم این مأمول را در هرحالت به دست آوریم. به هر صورت، ممکن است اشاره های مناسبی را در زمینه من باب راهنمایی ارایه نماییم که چگونه فکرهای دقیق فعالیت می نماید. این اشارات را می توان طی نکات ذیل خلاصه نمود:

۱- زبانی را که در قانون گذاری به کار برده می شود نباید نهایت طویل باشد وبالعکس. تنها در برگیرنده موضوعی باشد که در نظر است.

۲- کلمات باید در همه بخش های قانون به همان یک معنی به کار برده شود.

۳- برعکس، کلمات مختلف برای افاده چیز واحد به کار برده نشود. به عبارت دیگر وقتی می توان به استخدام کلمات مختلف متوسل شد که اختلاف معنی مقصود بوده باشد.

۴- از استعمال صیغهٔ مجهول اجتناب شود؛ زیرا استعمال صیغهٔ مجهول عدم تیقن را به شخصی که ملزم قرار داده می شود؛ یا صلاحیتی که به شخصی اعطا می شود به بار می آورد.

۵- هرماده یی که دریک قانون گنجانیده می شود؛ در برگیرندهٔ همه تفصیلاتی بوده باشد که باهمان ماده مربوط می باشد. چه از نگاه موضوع وچه از نگاه طرز واسلوب.

۶- در انتخاب کلمات دقت بیشتر به کار برده شود.

۷- دقت وصراحت نباید به منتهای درجه باشد؛ زیرا صراحت به حد افراط واغراق خوش آیند نبوده وهر کلمه مقتضی آن است که ایدهٔ خاص را در خود افاده کند. پس باید به ایدهٔ موصوف اجازه داده شود تا بتواند در یک فضای معین گردش نموده جای آرامش خود را به شکل مناسب انتخاب نماید.

۸- جملات معیوب یگانه چیزی است که به صریح بودن قانون لطمه وارد می کند واین عیوب ناشی از ناقص بودن ساختمان جمله یاعدم تنظیم درست کلمات می باشد. این عیب را می توان به وسیلهٔ تنظیم مجدد جملات رفع نمود.

۹- قانون باید از تعیین جنس خود داری ورزد، زیرا همیشه مورد خطاب قانون مرد وزن هر دو بوده مگر این که بعضی اوقات ماده های قانون تنها متوجه مرد یا زن بوده باشد.

۱۰- نقطه گذاری در قانون به شکل دقیق آن رعایت شود.

۱۱- قانون باید به زبان حال نگاشته شود. زمانه، آینده وگذشته تنها وقتی به کار برده می شود که ارتباط مؤقتی بین دو واقعه مقصود باشد.

۱۲- قانون به شکل آرزو، خواهش یاتوجیه وضع نمی شود؛ زیرا قانون همیشه امر می نماید، یانهی می کند یا اداره می نماید، یا صلاحیت می بخشد ویاجزایی را تحمیل می کند.

۱۳- از استعمال کلمات مترادف جهت انعکاس دادن تصور واحد پرهیز شود.

۱۴- قانون گذار باید از استعمال کلمات اضافی جهت توضیح اجتناب ورزد.

۱۵- اصطلاحاتی که از زبان های اجنبی به استعاره گرفته شده است هنگامی در قانون گذاری قابل توجه واستعمال است که در زبان رسمی وملی کشور مروج بوده باشد.

قابل تذکر است که در این راستا بعضی قواعد دیگری نیز هست ولی به نسبت کم اهمیت بودنش از ذکر آن اجتناب شد. امید

> **جملات معیوب یگانه چیزی است که به صریح بودن قانون لطمه وارد می کند واین عیوب ناشی از ناقص بودن ساختمان جمله یاعدم تنظیم درست کلمات می باشد.**

است قانون گذاری در کشور به اساس رهنمودهای فنی این فن راه تعالی وترقی را پیموده به منزل مقصود رسد وکشور عزیزمان که سال ها در نبود قانون به سر می برد زیر ادارهٔ قانون در آید ودر سایه، به حاکمیت قانون به رفاه و آسایش برسد

دست آورد وزیر...

خط مرزی دیورند کدام مسأله یی قابل بحث نبوده، این موضوع مدت ها قبل حل گردیده و پاکستان هیچ نیازی ندارد تا در باره، این خط صحبت شود. چرا که این خط مرزی را افغانستان وپاکستان قبول کرده اند."

سخن گوی وزارت خارجه پاکستان ضمن این اظهارات در برابر خبرنگاران ادعا کرد: "بقایای رژیم سابق طالبان که از اسامه بن لادن حمایت می کردند، در داخل افغانستان فعالیت دارند، طالبان به طور کامل در افغانستان ریشه کن نشده اند. آن ها هنوز فعال هستند و در کندهار نیز پایگاه دارند."

وبرای آن که به آقای جلالی فهمانده باشد که چه می گوید، اظهار می دارد:

"بنابر این ما به نظر وزیر کشور افغانستان ویا هر مقام دیگر افغانستان که بگوید مشکلات موجود، ناشی از عملیاتی است که از سوی پاکستان اجرا می شود، موافق نیستیم، زیرا ما در طرف خود با طالبان برخورد قاطعانه کردیم."

به این ترتیب سخنگوی وزارت خارجه، پاکستان تمام گزارش ها و ادعاهای مطرح شده بر ضد آن کشور را به شمول اظهارات منابع غربی وفرمانده نیروهای آمریکایی در کابل که کویته، پاکستان را مرکز تربیت و، تجهیز وتسلیح افراد طالبان دانست و با صراحت عنوان کرد که جنگجویان طالب از خاک پاکستان مسلح شده، به داخل افغانستان می آیند، رد می کند و به آقای جلالی هم خاطر نشان می کند که آنچه گفتی، انگار نگفتی و ما همان هستیم که بودیم.

وحالا که قرار است پرویز مشرف به کابل بیاید، آیا می توان انتظار داشت که از این سفر ثمری نیک به دست خواهد آمد!؟

اسلام پشتیبان...

چشم دوختن به شریک زندگی مسأله، مهمی است بل آن پایه، استمرار زندگی خانوادگی است.

آیا رسوم تمدن نوین به این مسؤولیت ها پاسخ گفته است؟

پاسخ دور از فریب و نفاق "نی" خواهد بود..! بلکه این مسؤولیت در سالن های رقص آمیخته، زن و مرد که یکی دیگری را به آغوش می گیرند، و در دایره یی بسته بریکدیگر می پرند و خون در رگ های شان به جوش می آید به ویژه آن گاه که زن در لباس خواب و در حالت شبه عریانی باشد، ذوب می شود!

اگر این وضع رابطه، زن با شوهرش را در حال نابود نسازد، ولی آن تکانی است که آن را بعد از زمانی از میان خواهد برد! پس در آن جا آمیزش مطلقی میان زن و مرد وجود دارد که وحی الهی از اداره، زمان و مکان آن کنار زده شده است وزنان برای حضور در مجالس آن با انواع هنرهای آرایش و خودنمایی آمادگی می گیرند! آیا چنین آمیزش شرافت خانواده و استقرار و ثبات آن را حفظ خواهد کرد؟ نه هرگز...

اسلام با دستورات دقیقش حال و آینده، خانواده را تضمین می کند، و هیولای خوف انگیز طلاق را از سر آن دور می سازد! ولکن طلاق در بسیاری از جامعه های اسلامی به سبب ورود بی بندوباری های تمدن غربی رو به گسترش نهاده، و خبر شوم آن با نیرومندی آغاز به کوبیدن دروازه های بسته کرده است...

وپیروزیی را که تمدن مهاجم به دست آورده در اثر ضعف مقاومت و کم خردی مدافعان اسلام بوده است! من روز هایی را که طه حسین دختران را وارد دانشگاه کرد به یاد دارم! گرایش دینی آن را حرام تلقی می کرد!!

حتی آموزش دختران در مدرسه های ویژه آنان پس از استعمار بریتانیا در مصر آغاز شد، و عادات حاکم بر جامعه، بی سوادی و نادانی را به نام اسلام بر زنان تحمیل می کرد!!

وبا وجود آن که در عصر حاضر زن به تسخیر فضا پرداخته است کسانی در کشورهای ما وجود دارند که بر ضد نماز گذاردن زن در مسجد می جنگند! و می گویند: برایش بهتر است که در خانه بماند.

و روزی که این موضعگیری ها در سرزمین اسلام حاکم گردد بی تردید لگام گسیختگی های تمدن پیروز، مانعی هرگز در برابرش نخواهد یافت.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره سی وهفتم چهارشنبه ۸ اسد ۱۳۸۲ اول جمادی الاخر ١٤٢٤ - 30 July 2003

هفته پر حادثه برای سربازان امریکایی در عراق

امریکا عکس های اجساد عدی و قصی پسران مقتول صدام حسین به نمایش گذاشته است.

زمانی که الجزیره در جریان جنگ عراق، اجساد شش سرباز امرکایی را نشان داد امریکا آنرا خلاف قرار داد ژنیو خواند اما امروز چنین تصاویری را به نماش می گذارد. آمریکابا این عمل می خواهد نشان دهد که دیگر رژیم صدام آمدنی نیست.

قرار گزارش منابع خبری بین المللی در هفته روان بر اثر عملیات چریکی علیه سربازان امرکایی دست کم پانزده سرباز آن کشور به قتل رسیده اند که اکثر عملیات با بم های دستی صورت گرفته وعاملان موفق به فرار شده اند.

این بدترین هفته برای ارتش امریکا درعراق بوده است. از ختم جنگ عراق تا کنون پنجا سرباز امرکایی کشته شده است.

کشته شدن عدی و قصی پسران صدام نتوانسته است از رقم تلفات امریکایی ها در عراق بکاهد بلکه نتیجه معکوس داشته است. تلویزیون الجزیره دیروز نوار صدام حسین را پخش کرد که وی نیز کشته شدن پسرانش را تایید نمود.



اجساد پسران صدام که توسط امریکایی ها به نمایش گذاشته شد

اسلام پشتیبان خانواده است

نویسنده: محمد غزالی ترجمه: واقف حکیمی

ناظران امور محیط زیست در انگلستان از بلند رفتن میزان طلاق شکایت کردند که تقریباً به ۳۳٪ و نیز میزان کودکانی که از رعایت پدر و مادر هر دو محروم می شوند به ۴۰٪ رسیده و موارد درخواست پرورش کودکان بسیار بالا رفته است، پدر می خواهد که به تنهایی فرزندانش را باخود گیرد، و مادر از جدایی می خواهد که او را از آنان محروم سازد، و آینده، این نسل بد بخت در میان هیاهوی این درگیری ها تباه و برباد...

وطلاق چیزی است ناپسند! به ویژه زمانی که زن و شوهر به پدر و مادر تبدیل شوند چون زیان جدایی علاوه بر آنان به بی گناهان نیز می رسد! و من وقایت و پیشگیری را در این زمینه بهتر از علاج می دانم، و استمرار زندگی خانوادگی بهتر از به مخاطرت انداختن آن به از هم گسستن است سپس مواجه شدن به نتایج بد طلاق...

و این استمرار زندگی خانوادگی جز در پرتو ایمان راستین و پاکبازی و منحصر ماندن مرد به زنی که قدر برایش پسندیده است و نیز رضایت زن از شوهرش و منحصر ماندنش به او میسر نمی شود...

و این عناصر از این سخن الهی در وصف بندگان خدا مستفاد است: "و آنان که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان مان به سرمایه و استقرار چشم ببخش".(والذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا وذریتنا قرة أعین). سوره، فرقان:۷۴ ص۷

په تاجکستان کي شپږسوه . . .

مونږ دډله ییزو اطلاعاتي رسینو څخه واوریدل چي تیره اوني په تاجکستان کې تر ۶۰۰ پوري جامع جوماتو نه رسماً وتړل شول، په دي اړه دتاجکستان ددیني اومذهبي چارو دکمیټي رئیس سعد احمدوف ویلي دي چي دغه جوماتونه له دي کبله تړل شوي دي چي شتوالي یي دهیواد له قوانینو سره سمون نه لري.

دتاجکستان دسیکولاریستي قانون له مخي په هري هغي سیمي کې چي تر ۱۵۰۰ پوري اوسیدونکي ولري یو جامع جومات او داتوسوو اوسیدونکیو له پاره دیو عادي جومات اجازه شته، بلخوا ویل کیږي چي ډیر دغه راز جوماتونه ددولت جواز نه لري اوښایي له همدي امله یي دتړلو امر ورکړ شوي وي.

ددغه راز خبرونو اوریدل دهر مسلمان له پاره دزیاتي خواشیني وړ دي.

مونږ دتاجکستان په ورور هیواد کي دنژدي ۶۰۰ جوماتونو د دروازو بندول دخداي او دخداي دمخلوق پر وړاندي یو ناجایز کار او دهر ډول انساني مذهبي، فکري، عقیدوي او مفکوروي ازادیو او بشري حقوقو پر وړاندي تیري او دتنګ نظري، تعصب او زندي کولو بیلګه بولو او هیله لرو چي ډیر ژر دغه راز قیودات او بندیزونه له مینځه یووړل شي.

مزار شریف ته د آریانا الوتني وځنډول شوي

دخبري سرچینو په وینا: دآریانا افغان هوایي شرکت یوه الوتکه تیره ورځ دمزار شریف له هوایي ډګر نه دپورته کیدو پر مهال په ګولي ولګیده خو الوتکي وکولاي شول چي دکابل په هوایي اډه کي روغه کښیني، رپوټ زیاتوي چي الوتکه دوه ځله ولګیده خو څوك په کي نه دي ټپیان شوي او دغه شرکت په موقتي توګه خپلي الوتني مزار شریف ته بندي کړي دي.

نگاهی به مشکلات...

بنا براین بهترین راه حل همان خواهد بود که مردم عراق با همکاری جامعه، بین المللی خود در باز سازی کشورشان سهم بگیرند و مقدرات کشور شان بدست خود شان سپرده شود. درست همان تجربه یی که در افغانستان در حال اجراست.

هرچند در افغانستان تأکید بعضی از جناحها بر این است که کسانی که در مقاومت علیه طالبان و سقوط آنان سهم داشتند از صحنه کنار گذاشته شوند ولی تجربه، عراق نشان از حقایق دیگری دارد که باید به آن توجه شود.

از نامه های آمده

اعتراض جبهه ملی دموکراسی بر خبر:

"شهر کابل شاهد تظاهراتی دیگر بود"

به اداره محترم جریده مجاهد!
السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته:

در صفحهٔ هشتم شماره، چهارشنبه مؤرخ ۲۵ سرطان ۱۳۸۲ جریده، مجاهد تحت عنوان "شهر کابل شاهد تظاهرات دیگری بود" خبری نوشته شده است که برای جبهه ملی دموکراسی به هیچ وجه قابل قبول نیست.

در این خبر، نظاهرات روز سه شنبه ۲۴ سرطان ۱۳۸۲ نهضت آزادی و دموکراسی، اولین تظاهرات سکولاریستان که در آن به اسلام گرایان و مجاهدین حمله شده، دانسته شده و این تظاهرات به جبهه ملی دموکراسی افغانستان نسبت داده شده است، همچنان در این خبر آقای سید مخدوم رهین رهبر جبهه ملی دموکراسی معرفی گردیده است.

در اول باید روشن کرد که تظاهرات نهضت آزادی ودموکراسی از طرف جبهه ملی دموکراسی برگزار نشده بود، درست است که نهضت آزادی و دموکراسی یکی از جریانات دموکرات در داخل جبهه ملی دموکراسی می باشد ولی باید گفت که مواضع سیاسی اعضای جبهه ملی دموکراسی، مواضع وسیاست های رسمی جبهه ملی دمکراسی نیست، زیرا بر همگان معلوم است که جبهه ملی دموکراسی متشکل از جریان ها و احزاب مستقل سیاسی می باشد و این احزاب وجریان ها می توانند موضعگیری ها و سیاست های مستقل خود را داشته باشند ولی این سیاست های مستقل باید زیر نام حزب شان اعلان گردد، سیاست رسمی جبهه تنها با تفاهم احزاب زیر نام جبهه ملی دموکراسی افغانستان اعلان می گردد.

در قدم دوم اقای سید مخدوم رهین رئیس جبهه ملی دموکراسی نمی باشد و ما نمی دانیم که جریده، مجاهد از کجا کشف کرده که اقای رهین رهبر جبهه ملی دموکراسی می باشد.

وسوم این که جریده، مجاهد بهتر است سیاست نشراتی و خبر رسانی خود را تغییر بدهد. نشریه، مجاهد از همان سیاست کهنه، بد نام کردن مخالف استفاده می کند که به هیچ صورت جای در یک جامعه، باز سیاسی ندارد.

استفاده از جمله ها و واژه هایی چون سکولاریستان و حمله به اسلام گرایان و مجاهدین نتیجه یی جز بر انگیختن حساسیت های مردم و بدبین کردن جامعه نسبت به احزاب دموکرات در افغانستان ندارد. قابل انکار نیست که توسعه، سیاسی ومشارکت سیاسی از ویژگی های یک جامعه، باز و دموکراتیک است و عامل توسعه و مشارکت سیاسی نیز احزاب می باشند، اگر احزاب در یک جامعه رشد نکنند به همان نسبت توسعه و مشارکت سیاسی نیز رشد نمی کند.

بدنام کردن و سلب اعتماد نمودن از احزاب سیاسی به معنای عقب ماندگی رشد و توسعه سیاسی می باشد. جریده، مجاهد باید توجه داشته باشد که تجربه سیاسی ما نشان داده که مخالف سیاسی را دشمن کینه ورز خود دانستن به هیچ صورت به سود یک جامعه متمایل به ترقی نیست.

جبهه ملی دموکراسی با توجه به ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر داشتن حق آزادی بیان و مشارکت آزاد سیاسی را برای همه کس محترم می شمارد و از همین روی به مخالفان سیاسی خویش همچون دشمن نمی نگرد، بلکه برای جبهه ملی دموکراسی تفاوت نظریه ها و دیدگاه ها یک امر کاملاً طبیعی وقابل پذیرش است، زیرا تجربه تاریخی افغانستان نشان داده که اگر سیاست وکار سیاست مبتنی بر دشمن پنداشتن مخالف باشد، حاصل این سیاست ترور، کودتا و استقرار یک دولت غیر ملی است. اگر ما در یک جامعه مدارا و تحمل سیاسی را رواج ندهیم به هیچ صورت ثبات سیاسی در آن جامعه، حاکم نمی شود و جامعه وکشوری که ثبات سیاسی نداشته باشد زمینه های پیشرفت وترقی نیز در آن کشور به وجود نمی آید.

جبهه ملی دموکراسی عقیده دارد که تنها تفاهم و گفت و گوی گروه های سیاسی می تواند در افغانستان توسعه سیاسی و پیشرفت اجتماعی را ببار بیاورد. بدنام کردن مخالف و عقیده بر حذف مخالف،بی اعتمادی سیاسی را دامن می زند، بی اعتمادی سیاسی مخالف تفاهم ملی و ثبات سیاسی در کشور ما می باشد.

برای همین، مدارا و تساهل از شعار های اساسی جبهه ملی دموکراسی افغانستان برای انکشاف پروسه سیاسی است و برای به دست آوردن این آرمان نیز تلاش دوامدار می کند. **با احترام**

کمیسیون تدارک وانسجام جبهه ملی دموکراسی افغانستان

پاسخ مجاهد به این اعتراض

چنان که خوانندگان در این نامهٔ اعتراضی جبههٔ ملی دموکراسی ملاحظه می کنند در سه نقطه می توان موارد اعتراض را مشخص کرد: ص٦